



# برنامه‌های «کاکوسفلی» برای جهانی کردن فرش و گلیم روستا

**کفت و گو**  
 علت ظهور «اقتصاد مقاومتی» در کفت و گو «جوان» با یک جامعه‌شناس



سال‌هاست مقام معظم رهبری در نامگذاری‌های شعارهای سالانه خودشان از واژگان «اقتصاد مقاومتی»، «تولید» و «اشتغال» استفاده می‌کنند و همین امر اهمیت توجه به این حوزه‌ها را بیش از پیش نمایان می‌کند. در این میان اقتصاد مقاومتی یک مجموعه کامل است که باید به همه ابعاد آن توجه شود تا بتوان به نتیجه مطلوب و اثربخش دست یافت. در این زمینه با دکتر غلامرضا مقدم، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس کفت و گو کرده‌ایم.

**به نظر شما چرا اقتصاد مقاومتی از طرف مقام معظم رهبری مطرح شد؟**

همیشه بیانات و نگاه رهبری بسیار نافذ، کارشناسانه و باحساب و کتاب و کارگشا بوده است. اگر توجه کنیم تحریم، واژه‌ای است که پس از انقلاب اسلامی همواره به عنوان ابزاری جهت تضعیف نظام اقتصادی ایران از طرف کشورهای به ظاهر توسعه‌یافته اما مستبد بر مردم ایران تحمیل شده و در چنین شرایطی، برای جلوگیری از توقف پیشرفت و توسعه کشور، لازم است الگوی اقتصادی متناسب با شرایط و بهنگام‌ترمی حاکم باشد که به همین خاطر الگوی اقتصاد مقاومتی مطرح شد.

**چه تعریفی برای این نوع از اقتصاد باید ارائه کرد؟**

اقتصاد مقاومتی در واقع تشخیص حوزه‌های فشار و نقاط ضعف و تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آنها و تبدیل تهدیدها و تحریم‌ها به فرصت‌های سازنده و رشددهنده است. یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های اقتصاد بحث تولید و اشتغال همراه آن است.

**پس این اقتصاد نگاه ویژه به تولید و اشتغال دارد.**



دقیقاً همینطور است. با اینکه تولید و اشتغال در امر اقتصاد حرف اول را می‌زند اما در اقتصاد مقاومتی به صورت ویژه به آنها پرداخته می‌شود و از هر داشته و ظرفیتی باید در این مسیر استفاده شود. با انجام تحقیقات در زمینه موضوع فوق می‌توان در جهت نهادینه کردن و عنایت بخشی به اقتصاد مقاومتی ضمن بسیج تمامی امکانات مادی و معنوی از قبیل سرمایه انسانی، دانش بومی، سرمایه‌های خرد و کلان و ابزارهای پیشرفته برای اجرایی و عملیاتی کردن برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در راستای تولید و اشتغال زایی گام برداشت.

**به نظر شما آفت اقتصاد مقاومتی چیست؟**

وقتی چیزی برای یک کار به عنوان اصل معرفی می‌شود، بی‌توجهی به آن هم می‌تواند آفت همان کار باشد. ما می‌گوییم کلیل حد اشتغال بر تولید استوار است و از زمانی که به تولید داخل و سرمایه‌گذاری بها داده نشود، به طور قطع، تحقق اقتصاد مقاومتی و اشتغال حاصل نمی‌شود. همچنین حمایت از تولید و اشتغال و حل مشکلات آن نیازمند عزم جدی، واقعی و همگانی سه قوه، بخش‌ها، نهادها، مدیران و مشارکت عمومی و مردم است.

اگر قرار باشد برای به نتیجه رسیدن اقتصاد مقاومتی پیشنهادی ارائه شود، باید گفت که شناسایی چالش‌های پیش روی تولید و اشتغال در عرصه کنونی اقتصاد ایران مهم‌ترین چیزی است که باید در دستور کار همه دستگاه‌ها قرار گیرد و در کنار آن حمایت از تولید داخلی با اقدام و عمل در جهت اقتصاد مقاومتی پیش برود.

**فکر می‌کنید توانسته‌ایم اقتصاد مقاومتی را به معنی واقعی کلمه به اجرا در بیاوریم؟**

مقام معظم رهبری چند سال مستقیم از واژه «اقتصاد مقاومتی» برای نامگذاری سال‌ها استفاده کردند که همین امر اهمیت موضوع را نشان می‌دهد، با این حال یکی از معضلاتی که در حال حاضر در جامعه ایران وجود دارد، کم‌توجهی به مسئله تولید داخلی است. هر قدر که به این موضوع توجه شود، در کنار آن برای تمام جوانان چه تحصیلکرده و چه آنانی که نتوانسته‌اند درس را ادامه دهند، کار و اشتغال ایجاد می‌شود. من در یک جمله می‌گویم برای درست اجرا شدن این موضوع به بررسی درست زیرساخت‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال با استفاده از ظرفیت شهرستان‌ها با تأکید بر عزم همگانی نیاز داریم.

**برای رسیدن به این نقطه به چه چیزهایی نیاز داریم؟**

کارها را نباید دولتی و دستوری کنیم و دیگر نمی‌شود گروهی مدیر پشت میز بنشینند و مردمی کردن اقتصاد در کنار استفاده از ظرفیت‌های دولتی مثل حمایت‌های مالی و قانونی از بخش‌های خصوصی به عنوان موتور محرک اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است. حالا مسئولان هستند و اجرای درست اقتصاد مقاومتی و جوانانی که آماده‌اند تحت هر شرایطی برای رسان اقتصاد کشور باشند.

فرش و گلیم‌ها بیش ثبات ملی شد، بسیج سازندگی با هدف توجه به اقتصاد مقاومتی وارد میدان شد و حمایت هنرمندان و بافندگان را در دستور کار قرار داد تا بتوانند راه آثار آنها را به بازارهای جهانی هموار کند؛ کاری که شوق و ذوق را در دل جوانان جاری ساخته است و حالا تعداد زیادی از آنها به شغل مادران خود گرایش پیدا کرده‌اند.

«کاکوسفلی» یکی از آخرین روستاهای دهگلان در مجاورت استان کرمانشاه است که کمتر کسی نام آن را شنیده است؛ روستای کوچک و آرامی که در تمام خانه‌هایش دار قالی برپاست و زنان و دختران آن مشغول گلیم‌بافی هستند. گلیم‌های این منطقه آنقدر زیباست که در ابتدا شهرتش همه ایران را فرا گرفت و حالا نشان ملی گلیم‌بافی را بر سینه «کاکوسفلی» آویزان کرده است. بعد از اینکه این روستا با

**د** فرش و گلیم‌بافی در روستای «کاکوسفلی» ریشه دیرینه دارد و نسل به نسل از مادر به دختر رسیده است اما الان بیشتر دختران به سمت بافت گلیم روی آورده‌اند و زیاد فرش نمی‌بافند، چون تهیه مواد اولیه سخت شده است



بافت گلیم روی آورده‌اند و تقریباً در تمام خانه‌ها دار گلیم برپاست.

**حمایت از بافندگان جوان**

وقتی جوانان از هنر و حرفه دیرینه روستای خود کمی فاصله گرفتند و می‌رفت که برخی نقش و نگارها در زیر بار بی‌تفاوتی‌ها از روی فرش‌ها و ذهن و خاطر‌ها حذف شود، دوباره این بسیج بود که وارد میدان شد تا با برنامه‌ریزی‌هایش نگذارد یکی دیگر از اعتبارات هنر ایرانی از دست برود.

بسیج سازندگی برای زنده نگه داشتن حرفه فرش‌بافی در «کاکوسفلی» سراغ دارند؛ این را جمیل‌خانم در حالی که با بغض دستش را روی گل‌بوته وسط فرش می‌کشد، می‌گوید و ادامه می‌دهد: «فرش و گلیم‌بافی در این روستا ریشه دیرینه است اما الان بیشتر دختران به سمت بافت گلیم روی آورده‌اند. مواد اولیه فرش را قبلاً خودمان تهیه می‌کردیم، تابستان پشم حیوانات را که می‌چیدیم، بانوان روستا هر کس در توان خود پشم‌ها را به صورت سنتی می‌ریسیدند و خامه را برای رنگ به روستای احمدآباد می‌بردیم تقریباً در این زمینه کاملاً خودکفا بودیم.»

اما وقتی حرف‌های جمیل‌خانم را در کنار اتفاقات امروز قرار می‌دهیم، مشخص می‌شود حالا هزینه مواد اولیه فرش زیاد و بازه زمانی بیشتری برای تولید آن نیاز است، به همین خاطر جوان‌های روستا به سمت

جراحی کرده‌ام ولی با وجود این از بچه‌ها خواستم برایم یک دار قالی بریا کنند، دختر و نوه‌هایم گلیم می‌بافند، خیلی وقت‌ها به یاد روزهای جوانی پشت دار گلیم بچه‌ها می‌نشستم و خاطراتم از جلوی چشمانم می‌گذرد.»

**هر خانه یک دار گلیم**

قدیمی‌ترین بافنده روستای «کاکوسفلی» جمیل‌خانم است.

خانهاش دو بخش جدید و قدیم دارد و چند تخته فرش قدیمی دست‌بافت کنار دیوار شانه در شانه به هم تکیه داده‌اند؛ فرش‌هایی که جمیل‌خانم تقریباً ۳۰ سال پیش بافته به قول خودش لاشه در میان بچه‌هایش خریدار ندارد.

همان جلوی ایوان به کمک پسرش یک تخته فرش را پهن می‌کند و چشم‌هایش بر می‌شود از نقش و نگار نقش‌هایی که با شیره بافته‌ام، اما می‌داند حتی یک ساعت روی هیچ کدامشان ننشسته‌ام. چشم‌هایم را گرد و خاک روی فرش‌ها خیر از آن دارد که

اردیبهشت ۱۴۰۰ بود که به یک باره نام «کاکوسفلی» از توابع شهرستان دهگلان در میان هنردوستان و علاقه‌مندان به صنایع دستی پیچید و علت آن هم این بود که این منطقه به عنوان روستای گلیم‌بافی ثبت ملی شده بود.

روستاییانی که تا قبیل از آن به ندرت می‌توانستند تولیدات خود را به دیگران معرفی کنند، حالا مورد توجه بسیاری از ایرانیان قرار می‌گرفتند.

**فرش در تار و پود زندگی**

در «کاکوسفلی» ورود به هر خانه حال و هوای خودش را دارد اما همه آنها در یک نقطه مشترک هستند و آن هم آوای خوش «دقتین» زنان گلیم‌باف و قالی‌باف و زمزمه نقشه‌خوانی‌های آنهاست که حتی در کوچه‌پس‌کوچه‌های روستا هم به گوش می‌رسد.

در برخی خانه‌ها می‌توان سه نسل هنرمند را در کنار هم دید.

یکی از آنها خانه «قدم‌خیر» خانم است که گوزدن بر تار و پود دار قالی و گلیم‌بافی را در هشت سالگی از مادرش یاد گرفته و امروز در کنار دختر و نواش مشغول بافتن گلیم است. با اینکه بچه‌هایش می‌گویند دیگر حق کار کردن ندارد و باید به استراحت بپردازد اما باز هم قدم‌خیر خانم هر از گاهی دور از چشم بچه‌ها پشت دار گلیم دخترانش می‌نشیند و گل و بوته‌ای بر تار گلیم می‌بافت و یاد ایام جوانی را برای خودش تازه می‌کند.

خودش می‌گوید که بعد از ازدواج روزها مشغول کشاورزی و رسیدگی به دام و کار در خانه بودم و شنب‌ها با چراغ نفتی تا نصف شب تار و پود فرش را با گل و بوته به هم گره می‌زد.

قدم‌خیر ادامه می‌دهد: «فرش در تار و پود زندگی بانوان قدیمی کاکو درآمخته است، پشت دار قالی که می‌نشستم، خستگی روز را با هر دقیقه که بر تن دار می‌کوبیدم تا تن به در می‌کردیم، روزبه‌روز، راج به راج و گره به گره نقش بود و نقش رنگ و رنگ از کناره

تا حاشیه که با ذوق نقش می‌زدیم، روزانه ۱۰ راج باید می‌بافتم، این عهدی بود که با خود بسته بودم، گاهی پیش می‌آمد کمی دیرتر پشت دار قالی می‌نشستم، تلاش می‌کردم تا دلم را به بافت هشت راج راضی کنم اما نمی‌شد و زیر سوی کم چراغ توری شب را، به صبح می‌بافتم.»

«شیرین‌شکر نخستین نقشه‌ای بود که بر تار و پود فرش بافتم، ذهنم آن روزها خیلی روشن بود. کمتر از نقشه‌های کاغذی استفاده می‌کردیم، هر چه بود در مغزمان نقش گرفته و بر تار و پود سفید و آبی دار قالی پیاده می‌شد. سراسر هنر اولم را به قیمت ۱۷۰ هزار تومان به یکی از فامیل‌ها فروختم...»

اینها حرف‌های قدم‌خیر است و ادامه می‌دهد: «خیلی از دختران آبادی را آموزش داده‌ام. یاد نیست چند تخته فرش بافتم، اما می‌دانم حتی یک ساعت روی هیچ کدامشان ننشسته‌ام. چشم‌هایم را

## جوانانی که روستا را به کارگاهی بزرگ تبدیل کردند



اما حالا تعدادی از جوانان این منطقه با وامی که از بسیج گرفته‌اند، شروع به سورت و بسته‌بندی محصولات می‌کنند و آنها را به وسیله یک شبکه پخش به شهرهای اطراف می‌فرستند. احمد ملکم‌محمدی که مدیریت این کار را بر عهده دارد به «جوان» می‌گوید: «به نظر من در همه روستاهای توان کار

**گذر** گذری به مناطق روستایی نشان

می‌دهد در این نقاط بیش از هر جای دیگر واژه اقتصاد مقاومتی جدی گرفته شده و اگر حمایت کوچکی صورت گرفته است، جوانان توانسته‌اند با استفاده از ظرفیت‌های همان جا کار بزرگی انجام دهند. روستای صائین‌قلعه در استان زنجان از این دست مناطق است که حالا تعدادی از جوانانش با کمک بسیج سازندگی به فکر ارزش افزوده برای تولیدات پدران‌شان هستند.

در تمام روستاهای ایران تولیداتی صورت می‌گیرد که هر کدام به نوعی بخشی از نیازهای خانواده‌ها را تأمین می‌کند. از محصولات کشاورزی، شیر، لبنیات و گوشت گرفته تا صنایع دستی و لوازم و کالاهایی که مواد خامش در همان جا وجود دارد.

در روستای صائین‌قلعه که بیشتر ساکنانش به کار کشاورزی و دامداری مشغول هستند، محصولاتی مثل انگور، زردآلو، سیب‌زمینی و گردو کشت می‌شود. تا چند سال پیش با برداشت هر محصول، دلالتان به این روستا می‌آمدند و تمام دسترنج کشاورزان را به قیمتی ناازل می‌خریدند و می‌بردند.